

**نویسنده:** پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar» .  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2022-07-08» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

**شکنجه امپراتوری در افغانستان تمام نشده است**

## **The Empire Is Not Done Torturing Afghanistan**



**عکس از منظره های تخریب شده در اثر بمبارد توسط بی ۵۲ در افغانستان**

\*\*\*\*\*

روزی روزگاری، درکھکشانى نه چندان دور، امپراتوری آشوبگر به اصطلاح «جنگ ضد ترور» را علیه قبرستان فقیرانه امپراتوری ها در چهارراه آسیای مرکزی و جنوبی راه اندازی کرد. بنام امنیت ملی سرزمین افغان ها بمباران شد تا زمانی که پنتاگون هدف هایش را تمام کرد، همانطور که در آن زمان، **دونالد رامسفلد**، رئیس آنها، معتاد به «نا شناخته های شناخته شده»، شکایت کرد.

---

### **عملیات «اسارت پایداری»:**

اهداف غیر نظامی، که به عنوان "خسارات جا نبی" نیز شناخته می شود، برای سال ها عادی بود. عده زیادی مجبور شد ند برای یافتن سرپناه به کشورهای همسایه فرار کنند، در حالی که ده ها هزار

نفر به دلایل نامعلومی زندانی شد ند، برخی حتی به یک **گولاگ** امپراتوری غیرقا نونی در جزیره گرمسیری در دریای **کارائیب** اعزام شد ند.

آنها به درستی مرتکب جنایات جنگی شد ند - برخی از آنها توسط سازمانی به رهبری یک روزنامه نگار بی نظیر و تمام عیار محکوم شد ند که متعاقباً توسط همان امپراتوری سال ها تحت شکنجه روانی قرار گرفت و وسواس زیادی داشت که او را به دیستوپی یا (خراب شده) زندان خودش تحویل دهد .

در تمام مدت، این «جامعه بین المللی» متمدن و از خود راضی خلاصه غرب جمعی یاکه مختصراً غرب جمعی - عملاً کر، گنگ و کور بود . از اینکه افغانستان توسط بیش از 40 کشور اشغال شده بود - و در حالی که مکرراً توسط امپراتوری بمباران و با هواپیماهای بدون سرنشین مورد حمله قرار می گرفت، طوریکه امپراتوری که هیچ محکومیتی (موجبه ای) برای تجا وزات خود نداشت . بدون بسته یا پکیج پس از بسته یا پکیج تحریم ؛ عدم مصادره صدها میلیارد دلار؛ اصلاً مجازاتی نداره .

## اولین قربانی یا سانحه جنگ

امپراتوری در اوج لحظه تک قطبی یا یکه تازی خودمی توانست هر چیزی را در افغانستان آزمایش کند، زیرا معافیت از مجازات یک هنجار بود . دو مثال به ذهن متبادر می شود: **۱- قندهار**، ولسوالی پنجوی، مارس 2012: که یک سرباز امپراتوری **16** غیرنظامی را کشت و سپس اجساد آنها را سوزاند . **۲-** در حالی که در **قندوز**، آوریل 2018: در یک مراسم فارغ التحصیلی که در اثر حمله با موشک **هلفایر**، با بیش از **30** غیرنظامی کشته شد ند .

آخرین اقدام «عدم تجاوز یا عمل مستقیم» امپراتوری به افغانستان، حمله هواپیمای بدون سرنشین در کابل بود که «بمبگذاران انتحاری متعدد» را مورد اصابت قرار نداد، بلکه یک **خانواده 10 نفره** از جمله چند کودک را از بدن بیرون یا محکوم به مرگ کرد . «تهدید قریب الوقوع مورد بحث»، که توسط اطلاعات ایالات متحده به عنوان «تسهیل کننده داعش» معرفی شد یعنی چنین وانمود کردند که ما داعشی ها را تحت ضربه قرار دادیم، حالانکه در واقع یک امدادگر بود که برای ملاقات با خانواده خود از محل کار خود بازگشته بود . و اما «جامعه بین المللی» روزها به درستی تبلیغات امپریالیستی را پخش کرد تا اینکه سوالات جدی مطرح شد .

همچنین سوالاتی در مورد شرایط مربوط به آموزش توسط ماهران نظامی پنتاگون به خلبانان افغان برای پرواز با هواپیمای A-29 Super Tucano ساخت برزیل بین سال های **2016 تا 2020** که بیش از **2000** ماموریت را تکمیل کرد و از حملات امپراتوری پشتیبانی می کرد، مطرح می شود . در طول آموزش در پایگاه نیروی هوایی **مودی** در ایالات متحده، بیش از نیمی از خلبانان افغان عملاً به مرخصی (Absent Without Official Leave = AWOL) غایب بودن مرخصی رسمی) رفتند، و پس از آن، اکثر آنها از متضرر شدن و یا قربانی شدن اکثر غیرنظامیان کاملاً ناراحت شد ند .

چیزی که در عوض توسط نیروی هوایی ایالات متحده تمجید شد این بود که چگونه « Super Tucanos » بمب های **لیزری** را بر روی "اهداف دشمن" پرتاب کرد: جنگجویان طالبان که "دوست دارند در شهرها و مکان هایی پنهان شوند" که در آن غیرنظامیان زندگی می کنند . به طور معجزه آسایی، ادعا شد که ضربات "دقیق" هرگز "به مردم محلی آسیب نمی رسا ند . این دقیقاً همان چیزی نیست که یک پناهجوی افغان در بریتانیا که تنها 13 سال داشت توسط خانواده اش فرستاده شده بود، بیش از یک ماه پیش در مورد روستای خود در تگاب صحبت کرد: «تمام مدت

در آنجا دعوا بود. این روستا متعلق به طالبان است (...). خانواده من هنوز آنجا هستند، نمی دانم زنده اند یا مرده اند. من هیچ ارتباطی با آنها ندارم.

## د بیلماسی هواپیماهای بدون سرنشین :

یکی از اولین تصمیمات سیاست خارجی دولت اوپاما در اوایل سال 2009 این بود که یک جنگ هواپیمای بدون سرنشین را بر فراز افغانستان و مناطق قبیله ای در پاکستان به کار برد. سال ها بعد، چند تحلیلگر اطلاعاتی از سایر کشورهای ناتو شروع به افشای سوابق خود در مورد مصونیت از مجازات سیا «سی آی ای» کردند: حملات هواپیماهای بدون سرنشین چراغ سبز نشان داده می شود، حتی اگر کشتن تعداد زیادی غیرنظامی ها تقریباً قطعی هم باشد. همانطور که نه تنها در «افپاک = AfPak افغانستان پاکستان» اتفاق افتاد، بلکه این اتفاق همچنین در سایر سالن های جنگ در غرب آسیا و شمال آفریقا نیز اتفاق افتاد.

با این وجود، منطق امپراتوری آهنگین است. و آن اینکه طالبان بنا به تعریف آنها «تروریست ها» بودند - به قول بوش با گسترش روستاها در بیابان ها و کوه های افغانستان به «تروریست ها» کمک می کردند، بنابراین قربانیان هواپیماهای بدون سرنشین هرگز موضوع «حقوق بشر» را مطرح نمی کردند.

وقتی افغان ها - یا فلسطینی ها - به آسیب های جانبی تبدیل می شوند یا که سر به نیست می شوند، بی اهمیت است. وقتی آنها پناهنده جنگ می شوند، یک تهدید هستند یا این حال، مرگ غیرنظامیان اوکراینی به دقت ثبت می شود و زمانی که آنها پناهنده می شوند، با آنها به عنوان قهرمان رفتار می شود «به اصطلاح عامیانه یک بام و دو هوا».

## شکست عظیم مبتنی بر ارقام یا داده ها

همانطور که دیپلمات سابق بریتانیایی آلستر کروک اظهار داشت، افغانستان ویتترین قطعی برای مدیریت فنی بود، بستر آزمایشی برای "هر نوآوری در مدیریت پروژه تکنوکراتیک" که شامل داده های بزرگ، هوش مصنوعی و جامعه شناسی نظامی در "تیم های زمین انسانی" - این آزمایش است. به ایجاد "نظم بین المللی مبتنی بر قوانین" امپراتوری کمک کرد.

اما پس از آن، رژیم دست نشانده تحت حمایت ایالات متحده در کابل نه با یک صدای بلند، بلکه با ناله سقوط کرد: یک «شکست مبتنی بر داده ها» تماشایی.

جهنم مانند امپراتوری خشم ندارد. گویی تمام بمباران، هواپیماهای بدون سرنشین، سال ها اشغال و خسارت های جانبی زنجیره ای به اندازه کافی بدبختی نبود، واشنگتن خشمگین با دزدیدن 7 میلیارد دلار از بانک مرکزی افغانستان، عملکرد خود را بالاتر برد: یعنی جوهی که به حدود 40 میلیون شهروند افغان تعلق دارد...

اکنون، افغان های تبعیدی گرد هم می آیند و سعی می کنند از بستگان قربانیان 11 سپتامبر در ایالات متحده جلوگیری کنند تا 3.5 میلیارد دلار از این جوه را برای پرداخت بدهی های ادعایی طالبان - که مطلقاً هیچ ارتباطی با 11 سپتامبر ندارند، بپردازند.

حتی با روش غیرقانونی باز هم نباید توانست یا که نمی تواند مصادره دارایی های یک ملت فقیر را که در سقوط آزاد، تورم بالا و بحران انسانی وحشتناک مبتلا به پولی است، که تنها «جرم و جنایت» آنها شکست دادن اشغالگری امپراتوری و متحدان آن در میدان جنگ و میدان نبرد است با هر معیاری واجد شرایط نمی داند، اگر این امر ادامه یابد، صلاحیت جنایات جنگی بین المللی اعمال می شود و خسارت جانبی، در این مورد، به معنای خاتمه هرگونه «اعتبار» است از اینکه تا هنوز برای «ضروریات ملت» لازم بوده که از آن باید برخوردار باشد.

تمام مقدار ذخایر خارجی باید بدون ابهام به بانک مرکزی افغانستان بازگردانده شود. با این حال همه می دانند که این اتفاق نخواهد افتاد. در بهترین حالت، یک قسط ماهانه محدود منتشر خواهد شد که به سختی برای تثبیت قیمت ها کافی است و به مردم عادی افغان اجازه می دهد تا اقلام ضروری مانند نان، روغن پخت و پز، شکر و سوخت را خریداری کنند.

## «جاده ابریشم» غرب خود را بدو ورود مرده بود

امروز هیچ کس به خاطر نمی آورد که وزارت امور خارجه ایالات متحده ایده راه ابریشم جدید خود را در ژوئیه 2011 ارائه کرد که به طور رسمی توسط **هیلاری کلینتون**، وزیر امور خارجه وقت، در یک سخنرانی در **هند** اعلام شد. هدف واشنگتن، حداقل در تئوری، پیوند مجدد افغانستان با آسیای مرکزی/جنوبی بود و در عین حال امنیت را بر اقتصاد برتری می داد. چرخش این بود که «دشمنان را به دوست و کمک ها را به تجارت تبدیل کنند». «با این حال، واقعیت این بود که از سقوط کابل به حوزه نفوذ **روسیه/چین** - به نمایندگی از سازمان همکاری ها و توسعه اقتصادی (SCO) - پس از خروج آزمایشی نیروهای آمریکایی در سال **2014** جلوگیری شود (امپراتوری تنها در سال **2021** به طور رسمی اخراج شد).

جاده ابریشم آمریکا در نهایت به پروژه هایی مانند خط لوله گاز طبیعی تاپی، خط برق-CASA 1000، تاسیسات برق حرارتی شبرغان و یک حلقه فیبر نوری ملی در بخش مخبرات اجازه خواهد داد.

در مورد "توسعه منابع انسانی" صحبت های زیادی شد. زیرساخت های ساختمانی - راه آهن، جاده ها، سدها، مناطق اقتصادی، کریدورهای منابع؛ ترویج حکمرانی خوب؛ ایجاد ظرفیت «ذینفعان محلی»

## زامبی یک امپراتوری

در نهایت آمریکایی ها کمتر از هیچ کاری نکردند. چینی ها که بازی طولانی را انجام می دهند، پس از صبر و شکیبایی منتظر بیرون راندن امپراتوری، تجدید حیات افغانستان را رهبری خواهند کرد. افغانستان به نوبه خود در راه های ابریشم جدید واقعی مورد استقبال قرار خواهد گرفت: ابتکار کمربند و جاده (BRI)، که با تمویل بانک راه ابریشم و بانک سرمایه گذاری زیربنای آسیا (AIIB) تکمیل می شود و با دهلیز اقتصادی **چین و پاکستان** ارتباط برقرار می کند (CPEC)، کریدور BRI آسیای مرکزی، و در نهایت اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) به رهبری روسیه و کریدور حمل و نقل بین المللی شمال جنوب به رهبری ایران، **هند و روسیه** (INSTC). اکنون با عوامل امپراتوری **نا تو** مقایسه و مقایسه کنید، که مفهوم استراتژیک "جدید" آن به جنگ افروزی گسترده علیه جنوب جهانی و فراتر از آن - از جمله کهکشان های بیرونی خلاصه می شود. حداقل ما می دانیم که اگر **نا تو** دوباره به افغانستان وسوسه شود، در آن صورت مراسم دیگری، تحقیر طاقت فرسا در انتظار آن است.

## سطری چند در مورد نویسنده :

**پیپ اسکوبار**، متولد برزیل، خبرنگار و سردبیر در آسیا تایمز و ستون نویس اخبار کنسرسیوم و فرهنگ استراتژیک است. از اواسط دهه 1980 او به عنوان خبرنگار خارجی در لندن، پاریس، میلان، لس آنجلس، سنگاپور، بانکوک زندگی و کار کرده است. او به طور گسترده از پاکستان، افغانستان و آسیای میانه گرفته تا چین، ایران، عراق و خاورمیانه گسترده تر پوشش داده است. پیپ نویسنده کتاب گلوبالستان - چگونه جهان جهانی شده در حال فروپاشی در جنگ مابین است. بلوز منطقه قرمز: عکسی از بغداد در طول موج. او سردبیر امپراتوری و هلال و توتو در وندیتا در ایتالیا بود. دو کتاب آخر او امپراتوری آشوب و 2030 هستند. پیپ همچنین با آکادمی اروپایی ژئوپلیتیک مستقر در پاریس مرتبط است. وقتی در جا ده نیست بین پاریس و بانکوک زندگی می کند. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است. ----- **با تقدیم احترامات «2022-07-09»**

